

پایه :	۱۰	موضوع:	فلسفه
تاریخ :	۹۴/۰۵/۱۵	ساعت:	۱۶

## نام کتاب: نهایی المکمه، از اول المرحله المادی عشر ۲۳۶ تا پایان کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریفی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریفی ۲ نمره)

## تستی

۱. عبارت «العلم بذی السبب لا يحصل إلّا من طریق العلم بسببه» درباره چیست؟ ا ۱۱/۱۳ فنی ۲۶۱ سطر ۱۵

أ. توقّف علم به معلول بر علم به علّت ■

ب. اتحاد عالم و معلوم □

ج. تلازم معلوم بالذات با معلوم بالعرض □

د. توقّف علم به علّت بر علم به معلول □

۲۴۴ ج

۲. أخذ المفهوم وانتزاعه من مصداقه ..... .

أ. لا يتوقف على الإتصال الحسّي بالمصداق أصلاً □

ب. قد يتوقف على الإتصال الحسّي بالمصداق □

ج. يتوقف على الإتصال بالخارج سواء كان بلا واسطة أو مع الواسطة ■

د. يتوقف على الإتصال بالخارج بلا واسطة □

۳. تجرى الشبهة المنسوبة إلى ابن كموه في توحيد واجب الوجود على القول ..... .

ب ۲۷۸

أ. بأصالة الماهية فقط □

ب. بأصالة الماهية والقول بكون الوجودات حقائق متباينة ■

ج. بكون الوجودات حقائق متباينة فقط □

د. بكون الوجود حقيقة واحدة مشككة □

۴. ما هي غاية أفعال العلل العالية و العقول المجردة التي وجودها كاملة؟ ا ۳۰۹

أ. ذواتها التامة ■

ب. أغراض تعود إليها من أفعالها □

ج. أغراض تعود إلى معاليلها □

د. لا غاية لها أصلاً □

## تشریحی

\*\*\*المعلوم عند العلم الحصولی بأمر له نوع تعلّق بالمادة هو موجود مجرد هو مبدء فاعلی لذلك الأمر واجد لما هو كماله يحضر بوجودها الخارجی

للمدرک و هو علم حضوری و يتعقّب انتقال المدرک إلى ما لذلك الأمر من الماهية و الآثار المترتبة عليه في الخارج. ۲۳۹

۱. نظريه مذکور در علم حصولی را شرح دهید.

این دیدگاه در مقابل نظریه مشهور است. مشهور قائلند که علم حصولی، حضور صورت و مفهوم اشیاء نزد عقل است ولی نظریه مذکور مختار مرحوم علامه است و معتقد است معلوم در علم حصولی در مورد امور مادی، در حقیقت موجود مجردی است که به وجود خارجی خود نه با صورت و مفهومش نزد عقل حاضر شده و با نفس متحد می شود. این موجود خارجی مجرد فاعل و مبدأ آن معلوم مادی است و واجد همه کمالات آن می باشد.

\*\*\*مفیض الصور العقلیة الکلیّة المفاضة للنفس جوهر عقلی مفارق للمادة عنده جميع الصور العقلیة الکلیّة و يستحيل أن يكون هي النفس لإستلزامه كون الشيء الواحد فاعلاً و قابلاً معاً و لا أمراً مادياً لأنّ المادی أضعف وجوداً من المجرد فيمتنع أن يكون فاعلاً لها و الفاعل أقوى وجوداً من الفعل على أن فعل العلل المادیة مشروط بالوضع و لا وضع لمجرد. ۲۴۹

۲. احتمالات در مورد مفیض صور عقلیه کلّیه را ذکر کرده، نظریه صحیح را با دلیل توضیح دهید.

سه احتمال: ۱. نفس ۲. موجود مادی ۳. موجود مجرد تام. نظریه سوم صحیح است؛ زیرا احتمال اول مستلزم اتحاد فاعل و قابل است و احتمال دوم نیز مستلزم این است که موجود اضعف، فاعل و مفیض، أمر مجرد و قوی باشد و هذا باطل. علاوه بر اینکه فاعلیت در مورد امر مادی محتاج به برقراری وضع مادی بین او و معلولش می باشد در حالیکه امر مجرد که معلول است نمی توان واجد وضع باشد پس متعیّن احتمال سوم است.

\*\*\* آورد علی نظریه ذاتیه العلوم للنفس بأنّ ذلك ینافی الجهل المشهود من الإنسان ببعض العلوم و الحاجة فی فعلیّتها إلى الإکتساب و أجب عنه بأنّها ذاتیه فطریه لها لكن اشتغال النفس بتدبیر البدن أغفلها علومها و شغلها عن التوجّه إليها. ۲۶۳

۳. نظریه «ذاتیه العلوم للنفس» را بیان کنید. اشکال و جواب را توضیح دهید.

نظریه: هر نفسی همه علوم را بالفعل و به طور ذاتی بدون نیاز به امر دیگری واجد است.

اشکال: این نظریه خلاف وجدان است؛ چرا که بالوجدان بسیاری از علوم را ابتدا نمی دانیم و سپس اکتساب می کنیم.

جواب: جهل نسبت به برخی از علوم و اکتساب آنها منافاتی با ذاتی بودن ندارد؛ زیرا اشتغال نفس به تدبیر بدن مانع از توجّه او به این علوم شده است نه اینکه علوم در نفس وجود نداشته اند.

\*\*\* لو كانت للواجب تعالی ماهیه وراء وجوده كانت فی ذاتها لا موجوده و لا معدومه فتحتاج فی تلّسها بالوجود إلى سبب، و السبب إمّا ذاتها أو أمر خارج منها و كلا الشّیین محال. أما الأوّل فلأنّ السبب متقدّم علی مسبّبه وجوداً بالضرورة فیلزم تقدّمها بوجودها علی وجودها و هو محال و أمّا الثانی فلاّنه یتلزم معلولیة الواجب بالذات لذلك الغیر فیکون ممکنا و قد فرض واجباً بالذات، هذا خلف. ۲۷۳

۴. مدعی و دلیل را توضیح دهید.

مدعا: واجب تعالی ماهیت ندارد. دلیل: اگر واجب تعالی ماهیت داشته باشد ماهیت فی حدّ ذاتها نه موجود است نه معدوم؛ پس برای موجود شدنش نیازمند سبب و علت است، سبب او یا خود ماهیت واجب است یا امری غیر واجب. هر دو احتمال محال است، اما احتمال اول: زیرا سبب وجوداً مقدّم بر معلول است و بنابراین بایستی وجود ماهیت واجب مقدّم بر وجودش باشد و این تقدّم شیء بر نفس است و هو باطل. اما احتمال دوم: چون لازمه آن این است که واجب تعالی ممکن و معلول غیر باشد و هذا خلف.

\*\*\* قالوا إنّ معنی اتصاف الذات بها كون الفعل الصادر منها فعل من تلّس بالصفة فمعنی كون الذات المتعالیه عالمه أنّ الفعل الصادر منها متقن محکم ذو غایة عقلانیة فالذات نائبة مناب الصفات و فیه انّ لازمه فقدان الذات للکمال و هی فیاضه لكلّ کمال و هو محال. ۲۸۵-۷

۵. نظریه مذکور، منسوب به چه کسانی است؟ آن را تقریر کرده، اشکالش را توضیح دهید.

معتزله. تقریر: معنای اتصاف ذات خداوند به صفات ذاتیه این است که ذات او همانند کسی که متصف به چنین صفاتی است فعل را انجام می دهند نه اینکه صفت را در کنار ذات داشته باشیم. اشکال: لازمه این قول فقدان ذات واجب نسبت به کمالات است در حالیکه او فیاض هر کمالی است و واجب الشیء لا یکون فاقده.

\*\*\* لیس العلم إلّا حضور شیء لشیء و الواجب تعالی منزّه عن الماده فذاته معلومه لذاته و أيضاً أنّ ذاته المتعالیه حقیقه الوجود الصرف البسیط فلا کمال وجودیاً فی تفصیل الخلقه بنظامها الوجودی إلّا و هی واجدة له بنحو أعلى و أشرف غیر متمیّز بعضها من بعض لمکان الصرافة و البساطه فما سواه من شیء فهو معلوم له فی مرتبه ذاته المتعالیه علماً تفصیلاً فی عین الإجمال و إجمالاً فی عین التفصیل. ۲۸۹

۶. دو گونه علم در مورد واجب تعالی را اثبات کنید.

۱. علم ذات به ذات؛ زیرا علم عبارتست از حضور شیء مجرد برای شیء مجرد و واجب تعالی ذات مجرد از ماده است و لذا ذاتش برای خودش حضور دارد. ۲. علم ذات به ما سوی در مرتبه ذات؛ زیرا ذات واجب تعالی چیزی جزء صرف وجود نیست و صرف وجود واجد تمامی کمالات معلولات خود در مرتبه ذات خود می باشد و وقتی ذات خود برای خودش حضور دارد تمامی کمالاتی نیز که به عین ذات موجودند برای او حضور دارد و لذا او بدانها به علم حضوری آگاه است.

\*\*\* لا دليل على صدق مفهوم الإرادة على علم الواجب تعالى بالنظام الأصلح فإنّ المراد بمفهومها إمّا هو الذى عندنا فهو كَيْفِيَّةٌ نفسانيّةٌ مغايرةٌ للعلم و امّا مفهوم آخر يقبل الصدق على العلم بأنّ الفعل خير فلا نعرف للإرادة مفهوماً كذلك.

۲۹۹

۷. نظریه مشهور حکماء در مورد معنای اراده واجب تعالی چیست؟ آیا مصنف آن را قبول دارد؟ چرا؟

نظر مشهور: اراده در واجب تعالی به معنای علم به نظام احسن و اصلح است. مصنف این نظریه را قبول ندارد؛ زیرا مقصود از اراده در واجب تعالی یا معنای کیف نفسانی مغایر با علم است که چنین معنایی در مورد خداوند محال است یا مقصود از او همان علم به نظام اصلح است که این معنای اراده نیست و فقط یک وضع اسم و تسمیه است.

\*\*\* الشرّ لما كان هو عدم ذات أو عدم كمال ذات كان من الواجب أن تكون الذات التي يصيبه العدم قابلة له و لفقد الكمال أى يكون العدم عدماً طارئاً لها لا لازماً لذاتها كالأعدام و النقائص اللازمة للماهيات الإمكانية و بهذا تبين أنّ عالم التجرد التام لا شرّ فيه إذ لا سبيل للعدم إلى ذواتها و لا سبيل لعروض الأعدام المنافية لكمالاتها التي تقتضيها و هي موجودة لها في بدء وجودها.

۳۱۲

۸. دو موردی که شرّ در آن مجال ندارد را با دلیل توضیح دهید.

۱. اعدام و نقائص لازمه ماهیات امکانیه؛ چون از تعریف شرّ استفاده می‌شود که باید عدم در مورد او طاری باشد نه لازمه ذات.

۲. عالم مجردات تامّه؛ زیرا شرّ، یا عدم ذات است که ذات این مجردات به بقاء ذات علت و مبدئشان ثابت است و یا عروض عدم منافی با کمالات ذاتیه است که این موجودات چون فاقد ماده و قبول‌اند عروض عدم در آنها معنا ندارد.

\*\*\* يمكن الاستدلال على قاعدة إمكان الأشرف بأنّ الشرافة و الخسّة المذكورتين فيها وصفان للوجود مرجعهما إلى العليّة و المعلوليّة و كون الشیء مستقلاًّ موجوداً في نفسه و كونه رابطاً قائماً بغيره موجدّاً في غيره فكلّ مرتبة من مراتب الوجود متقوّمة بما فوقها قائمة و أحسن منه و مقوّمة لما دونها مستقلة بالنسبة إليه و أشرف فلو فرض ممكنان أشرف و أحسن وجوداً كان من الواجب أن يوجد الأشرف قبل الأخس و إلّا كان الأخس مستقلاًّ غير رابط و لا متقوّم بالأشرف و قد فرض رابطاً متقوّماً به هذا خلف.

۳۲۰

۹. مفاد قاعدة امکان اشرف چیست؟ دلیل آن را توضیح دهید.

قاعده: هرگاه ممکن أحسن موجود باشد قبل از او ممکن اشرف موجود شده است. دلیل: مقصود از شرافت و أحسیّت در قاعدة علیّت و معلولیّت است و مرجع علیّت و معلولیّت نیز به وجود مستقل و رابط است. حال اگر ممکن أحسن موجود باشد ولی قبلش ممکن اشرف موجود نباشد لازم می‌آید موجود رابط غیر مستقل متقوم به خود و مستقل باشد هذا خلف.